

بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان، سال ۱۳۸۲

دکتر حسین ملک افزلی^۱، مرتضی مهدی زاده^۲، دکتر احمد رضا زمانی^۲، دکتر زیبا فرج زادگان^۲

^۱ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۲ گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

چکیده

سابقه و هدف: خشونت شوهران مسئله ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می کند. اینگونه خشونت‌ها در همه کشورها گزارش شده و موضوع اصلی کنفرانس حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۷ بود که در آن ابعاد مختلف خشونت و راهکارهای عملی کاهش آن بیان شد. در این مطالعه نیز موارد مختلف خشونت‌های کلامی- روانی، جنسی، اقتصادی و فیزیکی شوهران بررسی شده است. **مواد و روش‌ها:** مرحله اول این مطالعه یک کار آزمایی در عرصه است. در منطقه عملیاتی انجمن تنظیم خانواده در اصفهان، بوسیله پرسشنامه با ۸۱۵ زن شوهردار ۴۹-۱۵ ساله مصاحبه شد. آنالیز نتایج به کمک نرم افزار آماری SPSS و آزمون X^2 انجام گرفت. **یافته‌ها:** براساس نتایج حاصله بیشترین فراوانی انواع خشونت‌ها مربوط به خشونت کلامی-روانی (۳۴ تا ۶۲ درصد) بود. خشونت‌های جنسی، اقتصادی و فیزیکی در مراتب بعدی گزارش شده است (۵۳-۵ درصد). **نتیجه‌گیری و توصیه‌ها:** به نظر می رسد توزیع فراوانی انواع خشونت‌ها متأثر از مرحله گذر فرهنگی اجتماعی جامعه باشد. به این معنی که شکل خشونت از فیزیکی به سایر اشکال آن در حال تغییر است. می توان با ارتقاء موقعیت و ارزشهای انسانی زنان و مشارکت آنان در آگاه سازی مردان گامی در جهت تحکیم مبانی خانواده برداشت.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، خشونت کلامی روانی، خشونت جنسی، خشونت اقتصادی، خشونت فیزیکی.

مقدمه

غیرعادی بودن روابط بین زن و شوهرها به لحاظ ارزشهای فرهنگی و قوانین و مقررات موجود مسئله ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می کند. یکی از مصادیق عینی رابطه غیرعادی و نامتعارف، خشونت در خانواده است (۱). مردان برای پیشبرد اهداف خود دست به اعمال خشونت می زنند. اما زنان نیز از ترس آبرو و یا وحشت از خشونت در برابر خواسته های غیرمنطقی شوهران خود تسلیم می شوند که این خود آسیب روانی جدی را برای خانواده بدنبال دارد (۲).

گزارشهای جهانی در مورد خشونت و سلامتی مدل اکولوژیک را مطرح می کند که دارای ابعاد متفاوت بیولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اثرگذار بر خشونت می باشد (۳).

در این رابطه گزارشات فراوانی از نقاط مختلف جهان وجود دارد که عمدتاً از منابع داخلی این کشورهاست. بطور مثال: در شیلی ۶۳ درصد، در آمریکا ۳۵ درصد، در کلمبیا ۲۰ درصد و در گینه نو ۶۲ درصد زنان مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار گرفته اند. همین گزارش نشان می دهد که عامل فوت بیش از نیمی از مقتولان زن در کانادا و بنگلادش ناشی از خشونت همسر خود بوده است (۴). منشی پارلمانی دولت آلمان هم مدعی است که در این کشور سالیانه ۴۵۰۰۰ زن از خانه خود گریخته و به خانه های امن پناه می برند زیرا از طرف همسران خود مورد ضرب و شتم و خشونت قرار می گیرند (۵). مسئله خشونت علیه زنان آنچنان فراگیر و بدون مرز است که نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد و سازمانهای دفاع از حقوق بشر را واداشته است که نسبت به این موضوع واکنش نشان دهند، بطوریکه در قطعنامه کنفرانس حقوق بشر که